

**نامزد نوعروس اعتراف کرد، دختر ۱۷ ساله آزاد شد**



# نورافکنی در حکایت عجیب یک جنایت!

**دختر نوجوان:من قاتل نیستم، او مرا ضریب داد**

**سید خلیل سجاد پور** - نورافکنی قاضی ویژه قتل عمدمشهدبه‌سطور اورا یک‌پرونده‌جنایی، در حالی دو‌متهم‌را به‌رویارویی کشاند که قاتل اصلی از روز‌نه‌تاریک جنایت بیرون آمد و راز سوختن «عروس» در شعله‌های عشق‌خیابانی فاش‌شد.به‌گزارش اختصاصی‌روز‌نامه‌خراسان، صبح‌شان‌دهم‌شهریور گذشته، دختر‌نوجوانی وارد شعبه ۲۰۸ داد‌سرای عمومی و انقلاب مشهد‌شد‌و‌اتهام‌وحشتناک‌سوختن‌یک‌عروس‌جوان در شعله‌های آتش‌را به‌گردن گرفت. این دختر ۱۷ ساله که مدعی بود از زمان وقوع جنایت دچار عذاب وجدان شده‌است در باره قتل هولناک عروس جوان گفت: سال گذشته به علت اختلافاتی که با خانواده‌ام داشتم از منزل فرار کردم‌و‌از قوچان‌به‌مشهد‌آمدم.در خیابان‌ها سرگردان بودم‌تااین‌که‌با‌جوان ۲۱‌ساله‌ای‌به‌نام «هادی» آشنا‌شدم. این‌آشنایی‌و‌ارتباط‌خیابانی به‌وعده‌و‌وعید‌از‌دواج‌کشید‌چرا‌که «هادی» ادعا می‌کرد: همسرش از اوبزرگ‌تر‌است‌و‌علاقه‌ای به‌اوندارد!‌برای‌همین‌ارتباط‌مان‌زدیک‌تر‌شد‌و

من حدود ۳‌ماه‌قبل‌به‌خانه‌آن‌هادر منطقه‌طریق‌هر‌فتم، ولی‌ناگهان‌به‌«نازه‌عروس» که در طبقه‌بالایی منزل بود به‌مشاجره‌پرداختیم چون او قصد داشت مرا از زندگی‌اش بیرون کند! در یک‌لحظه‌من‌عصبانی‌شدم‌و‌بطری‌حای‌بنزین‌را‌روی‌او‌ریختم‌و‌فند‌ک‌را‌روشن‌کردم‌که‌شعله‌های آتش‌سراسر‌پیکر‌عروس ۲۷‌ساله‌را‌فرا‌گرفت‌و‌من‌هم‌از‌ترس‌فرار‌کردم.چند



## جنایت خانوادگی با اسلحه شکاری در فسا

فرمانده انتظامی شهرستان فسا گفت: فردی که با اسلحه شکاری یکی از بستگان خود را به قتل رسانده بود، یک روپس از قتل در استان خوزستان دستگیر شد. به‌گزارش حادثهٔ ۲۴‌سرهنگ‌محمد‌هاشم‌قسام‌در‌تشریح این‌خبر‌اظهار‌کرد:‌درپی‌اعلام‌مرکز‌فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر درگیری منجر به جراحات فردی در یکی از روستاهای شهرستان فسا، ماموران انتظامی در محل حاضر شدند. وی افزود: در تحقیقات اولیه مشخص شد مردی ۴۴

ساله به علت اختلافات قبلی، با یکی از بستگان ۵۳‌ساله‌خود‌در‌گیر‌و‌وی‌را‌با‌اسلحه‌شکاری مجروح کرده‌و‌از محل‌متواری‌شده‌است. این مقام انتظامی از فوت فرد مجروح به علت شدت جراحات وارد شده خبر داد و گفت: افسران پلیس آگاهی شهرستان فسا از ساعت نخستین، اقدامات تخصصی خود را برای دستگیری قاتل متواری آغاز کردند. سرهنگ قسام اظهار کرد: در بررسی‌های انجام‌شده احتمال حضور قاتل در استان خوزستان قوت گرفت و با شناسایی

# بیت کوین جان گرفت!

به اعتراف گشودو گفت: به دلیل اختلافات مالی که با پیروز داشتم قرار شد با یکدیگر در دماوند قرار بگذاریم و مشکلات را حل کنیم، اما هنگامی که متوجه شدم او در کیف پول دیجیتالی‌اش ۸ میلیارد تومان «بیت کوین» دارد، تصمیم گرفتم دست به سرقت آن بزنم، به‌همین دلیل از چندروز قبل، اسلحه‌ای را تهیه کردم. متهم ادامه داد: در روز حادثه یکی از دوستانم نیز با ما به محل قرار آمد، در حال بحث بودیم که من درخواست کردم رمز کیف پول دیجیتالی‌اش را به من بدهد، اما پیروز قبول نکرد برای همین، عصبانی شدم و اسلحه را برای ترساندن او از جیبم بیرون آوردم. فقط قصد ترساندن و تهدید وی را داشتم، امنی‌دانم چه شد که یک تیر از تنگن خارج شد و به کتف پیروز برخورد کرد و به قتل رسید.

■ **کشف جسد پیروز در ایوانکی**

اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی

مشخص کرد، متهم پس از قتل پیروز، جسد وی را به همراه دوست خود با خودروی دنا به ایوانکی برده و جنازه را در آن جادفن کرده‌است و در سرقت ۸ میلیارد تومان بیت کوین که در تلفن همراه مقتول بوده، نا کام مانده‌اند! تیم تحقیق در مرحله بعد با دستور بازپرس جنایی راهی ایوانکی شدند و جسد پیروز را کشف کردند و برآی معاینات دقیق‌تر در اختیار متخصصان پزشکی قانونی قرار دادند.

■ **آغاز تحقیقات برای دستگیری متهم دیگر پرونده**

کارآگاهان پلیس آگاهی پس از کشف جسد پیروز، تحقیقات گسترده خود را برای بازداشت متهم دیگر پرونده که در جنایت و اختفای جسد نقش موثری داشته‌است، آغاز کردند. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده توسط کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی ادامه دارد و متهم دیگر تحت تعقیب قرار گرفته است.

## راز قتل هولناک

زن سالخورده تنها ۴۸ ساعت پنهان بود

قرار گرفت. سرهنگ رضا فیروز بخت گفت: ماموران با انجام تحقیقات گسترده پلیسی، سرخ‌هایی در باره احتمال این که فرد مفقود شده به قتل رسیده باشد به دست آوردند و با این فرضیه تحقیقات تخصصی و رصد های اطلاعاتی خود را با پرس و جواز افراد مطلع تا وصول نتیجه ادامه دادند. وی اظهار کرد: تحقیقات تخصصی ماموران خیلی زود به نتیجه

**توکلی** - با دستگیری سه نفر از عاملان قتل زن سالخورده در کمتر از ۴۸ ساعت راز گم شدن این شهروند عنبرآبادی بر ملا شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی عنبرآباد بیان کرد: اوایل آذر ماه به دنبال گزارشی به پلیس این شهرستان جنوبی کرمان مبنی بر گم شدن یک زن نسبتا سالخورده، بررسی موضوع در دستور کار نیروهای پلیس آگاهی

## دستگیری مسافر نماهای زور گیر

این شهرستان ابلاغ شد. سردار عبدالرضا ناظری ادامه داد: با اجرای طرح مهار ماموران انتظامی شهرستان رودبار جنوب خودروی سرتی را هنگام عبور شبانه از محور «رودبار- دلگان» مشاهده و طی عملیاتی آن را متوقف کردند. وی تصریح کرد: طی این عملیات ضربتی دو سارق مسلح که با تهدید اسلحه، این خودرو را به سرقت برده بودند دستگیر شدند و از متهمان یک قبضه کلت کمری و دو خشاب مربوطه نیز کشف شد.

**کرمانی** - دو سارق زور گیر مسافر نما که خودروی سواری پراید را به صورت مسلحانه

در رودبار جنوب سرقت کرده بودند در عملیات ضربتی پلیس به دام افتادند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر اظهار کرد: در پی اعلام سرقت و زور گیری یک دستگاه خودروی پراید توسط دو نفر مسافر نما در یکی از مناطق روستایی شهرستان رودبار جنوب، بلافاصله موضوع برده های انتظامی

در امتداد تاریکی

## دختر زیبا تبهکار بود!

دو ستم وقتی از تایلند به ایران باز گشت که دیگر اوضاع مالی خوبی نداشت ولی من تحت تاثیر و وسوسه های او قرار گرفتم تا پول هنگفتی به دست بیاوریم و این بار برای ادامه زندگی با یکدیگر به تایلند برویم. این بود که نقشه زیرکانه ای را در شبکه اجتماعی تلگرام طراحی کردم و خودم را به جای یک دختر زیبا معرفی کردم تا ...

به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، این ها بخشی از اعترافات جوان ۲۷ ساله ای است که چند سال قبل به اتهام آدم ربایی نقشه کار آگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر شد. این جوان در حالی که به همراه همدستانش پشت میله های زندان بود، درباره سرگذشت خود گفت: مدتی رادر یکی از هتل های مشهد کار می کردم ولی به دلیل بلندپروازی هایم از آن جا بیرون آمدم تا وضعیت مالی ام بهتر شود اما با گذشت چند سال از این ماجرا نتوانستم به خواسته ها و آرزوهایم برسم تا این که روزی یکی از دوستانم را دیدم که از چند سال قبل به تایلند رفته بود و در آن جا زندگی می کرد. آن روز دو ستم از زندگی رویایی در خارج از کشور سخن گفت و مدعی شد که حدود ۲ سال قبل به علت این که ورشکسته شده و اوضاع مالی اش به هم ریخته بود، به ناچار به مشهد بازگشته است. من هم تحت تاثیر حرف های دو ستم قرار گرفتم و وسوسه شدم تا در تایلند ادامه زندگی بدهم. این بود که تصمیم گرفتم تا پول هنگفتی به دست بیاوریم و برای همیشه به تایلند برویم. در این هنگام به یاد مرد هتلدار افتادم که خیلی ثروتمند بود. ابتدا نقشه آدم ربایی به ذهنم خطور کرد تا آن مرد هتلدار را اگر گوان بگیریم ولی خیلی زود از این فکر منصرف شدم و نقشه ربودن پسر نوجوان او را طراحی کردم چرا که می دانستم او برای نجات فرزندش پول زیادی خواهد پرداخت. برای اجرای این نقشه، به سراغ دختر ۳۰ ساله ای رفتم که در آن هتل کارگری می کرد و از بستگان مرد هتلدار بود. با وعده از دواج او را فریب دادم و به سوی خودم جذب کردم تا از طریق او نقشه ام را اجرا کنم. با تر فند پیامک های عاشقانه او را شبفته خودم کردم و سپس بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومان از او به بهانه «قرض» گرفتم تا چندروزه بازگردانم او هم این مبلغ هنگفت را به من داد و وقتی اعتماد او را جلب کردم با ترفندی خاص شماره تلفن پسر نوجوان مرد هتلدار را هم از او گرفتم و با یک سیم کارت بدون هویت وارد شبکه تلگرام شدم. تصویر دختری زیبارا در پروفایلم گذاشتم و پیامک عاشقانه ای برای پسر نوجوان فرستادم. «الف» که عاشق تصویر شد و تصور می کرد با یک دختر زیبا چت می کند پاسخ پیام هایم را داد و این گونه من خودم را به جای یک دختر هم سن و سال او جا زدم و به چت های عاشقانه ادامه دادم تا این که در یک فرصت مناسب برای دیدار حضوری با او قرار گذاشتم و از سوی دیگر هم مقدمات ربودن او را با همدستانم فراهم کردم. وقتی آن نوجوان سر قرار رسید، طبق نقشه دختری از خودروی من پیاده شد و از او خواست سوار پراید شود.

زمانی که «الف» در صندلی عقب نشست همدستانم نیز از دو طرف کنار او نشستند و بدین ترتیب او را ربودیم و قصد داشتیم او را به یک باغ ویلا ی اجاره ای ببریم و بعد با پدرش تماس بگیریم برای همین در بین راه، خودرو را متوقف کردم و دست و پا های پسر نوجوان را با جیب پهن بستم و سپس پیکر او را به درون صندوق عقب انداختم اما زمانی که به مقصد رسیدیم و من در صندوق عقب را باز کردم فقط بقایای چسب های پهن را دیدم که در آن جا افتاده و خبری از آن پسر نبود! تازه فهمیدم که او در بین راه دست و پاهایش را باز کرده در حاک حرکت خودرو، خودش را پایین انداخته است ...

خلاصه وقتی در اجرای نقشه گروگانگیری نا کام ماندم تصمیم به تهدید مرد هتلدار گرفتم تا از این طریق مبلغ زیادی اخاذی کنم. به او می گفتم اگر می خواهد هتل او را به آتش کشیم باید صدها هزار دلار پول بدهد ولی او توجهی به تهدیدهای من نداشت تا این که پلیس با پیگیری پرونده آدم ربایی به سراغمان آمد ...

**ماجرای واقعی بر اساس پرونده قضایی**



عکس متعلق به آقای مسلم قلی زاده در محدوده آب و برق کمشده نامبرده (دارای معلولیت ذهنی) می باشد کسانی که از وی اطلاع دارند با شماره تلفن ذکر شده تماس حاصل نمایند

عکس ها اختصاصی خراسان